



مکاسب محرمة / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه‌ای از مباحث پیشین

در مبحث حفظ کتب ضلال هم به قرآن و هم به روایات و هم به حکم عقل بر حرمت حفظ کتب ضلال با قطع نظر از جهات ثانوی آن استدلال شده است که اولین آیه‌ای که مورد بررسی قرار گرفت آیه شش سوره لقمان بود که نتیجه مباحثی که در ذیل آیه مورد بررسی این بود که آیه دلالت بر حرمت اضلال غیر چه در مباحث اخلاقی و چه در مباحث اعتقادی می‌کند و هر عملی که مصداق اضلال قرار گیرد حرام است و حفظ کتب ضلال هم اگر مصداق اضلال غیر شود حرام است و الا طبق این آیه یک حرمت ذاتی مستقل و نفسی ندارد.

دلیل دوم بر حفظ کتب ضلال آیه سی سوره حج

اما آیه دوم که در این بحث بر آن استدلال شده است آیه «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج/۳۰) می‌باشد که بر فراز انتهایی آیه که اجتناب از قول زور است استدلال شده است.

ارتباط بین فرازهای آیه

علامه طباطبایی عبارت «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ...» را با فراز قبلی آیه «أُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ» و آیات قبلی اینگونه ارتباط داده است که آیات قبل در مورد حج و قربانی کردن در موسم حج است و چون مرسوم بوده است که هنگام قربانی نام بت‌ها را می‌بردند و با نام آن‌ها قربانی را ذبح می‌کردند آیه می‌فرماید از رجس که بت‌ها باشند و سخن باطل اجتناب کنید و ارتباط آن با فراز قبلی این است که تسمیه به بت‌ها عند الذبح مصداق قول زور و سخن باطل است و از آن اجتناب کنید. بنابراین ارتباط این بحث با آیات قبلی در همین بحث ذبح است.



بیان استدلال به آیه

آن چه که مورد استشهاد فقها مانند صاحب جواهر و شیخ قرار گرفته است این فراز از آیه است که می فرماید «وَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» که زور به معنای باطل است و قول زور، قولی است که ناشی از باطل و ناصحیح باشد. و از هر قول زور که یکی از مصادیق آن تسمیه به بت‌ها عند الذبح می باشد، باید اجتناب کرد البته مراد از قول زور تنها کلام و سخن گفتاری نیست بلکه شامل سخن مکتوب هم می شود و از کتابی که مشتمل بر امور ناصحیح است نیز باید اجتناب کرد که عدم حفظ و نگهداری هم مصداق اجتناب است. البته ناگفته نماند که دلالت این آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال مورد پذیرش همه فقها نیست.

نکات و جهات قابل بحث در آیه

نکته اول تفاوت حکم مستفاد از این آیه با آیه شش سوره لقمان

اولین نکته و بحثی که باید به آن توجه داشت تفاوت حکم مستفاد از این آیه با حکم مستفاد از آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان/۶) می باشد هر چند این دو حکم ارتباط نزدیکی باهم دارند اما در تعبیر باهم تفاوت دارند حکم مستفاد از سوره لقمان حکم تحریمی است یعنی طبق این آیه اشترا لهو و حفظ کتب ضلال حرام است به خلاف آیه سی سوره حج که بیان وجوبی است یعنی اجتناب از قول زور و کتب ضلال را واجب می داند البته بر فرض تمام بودن این دو حکم بعید است که بتوان گفت حقیقتاً دو حکم نفسی در اینجا وجود دارد بلکه باید گفت یکی اصلی و دیگری تبعی است.

نکته دوم الزامی بودن حکم مستفاد آیه

به دو دلیل حکمی که در آیه آمده است حکم الزامی و وجوبی است.

۱. دلیل اول ظهور امر اجتنبوا در وجوب است



۲. دلیل دوم این است که سیاق آیه یک سیاق الزامی است هم عبارت «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» و هم عبارت «وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ» که در آیه آمده است بیان یک امر لزومی است بنابراین حکمی که در آیه آمده است ظهور در حکم الزامی نفسی دارد

نکته سوم معانی محتمل در کلمه اجتنبوا

نکته و جهت مهمی که در ذیل آیه باید به آن پرداخته شود معنا و مفهوم کلمه اجتناب و دامنه دلالت آن می باشد در مفهوم واژه اجتناب دو احتمال وجود دارد که استدلال بر آیه در صورتی صحیح است که احتمال دوم مراد باشد.

احتمال اول: ترک عمل

احتمال اول این است که اجتناب به معنای ترک عمل باشد و در حقیقت کاربرد واژه اجتناب در آیه یک کاربرد تأکیدی است و الا می توانست بگوید لاتقولوا قولاً زوراً و یا لاتکذبوا منتهی وقتی به صورت اجتناب آورده است تا بر آن تاکید کند، زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی ولی مفهوم و معنی ترک عمل است منتهی با تاکید بر آن مطلب. وجه این احتمال هم عدم ظهور و عدم فهم و ارتکاز عرفی در بیش از این معنا می باشد همان طور که متفاهم عرفی در فراز قبلی آیه اجتناب مطلق نیست بلکه ظاهر این است که باید از بتها در اموری که مربوط به عبودیت است مانند پرستش و تسمیه عند الذبح اجتناب کرد.

احتمال دوم: ابتعاد به نحو مطلق

احتمال دوم که اوسع از احتمال اول است این است مقصود از اجتناب، صرف ترک العمل نیست بلکه ابتعاد عن الشيء به نحو مطلق باشد و صرف نگفتن قول زور نیست بلکه از هر ارتباطی که با قول زور مرتبط است باید اجتناب کرد وجه این احتمال این قاعده است که می گوید ترک متعلق دلیل بر عموم است یعنی وقتی اجتناب را در آیه بدون ذکر متعلق آن بکار برده دلالت بر عام بودن معنای آن دارد و مراد مطلق اجتناب است.

ارتباط معنای اجتناب با معنای واژه قول در آیه

هرچند ظهور و ارتکاز عرفی احتمال اول را تقویت می کند اما در اینکه کدام احتمال در مورد آیه صحیح است بستگی به این دارد که ما از قول معنای مصدری آن را اراده کنیم و یا معنای اسم مصدری آن را. اگر قول را به معنای مصدری آن گرفتیم یعنی گفتن متفاهم عرفی این است که مراد ترک عمل است ولی اگر قول را به معنای اسم مصدری یا مقول گرفتیم احتمال دوم وجهی پیدا می کند.



نکته چهارم معانی محتمل در واژه قول

نکته و جهت چهارمی که در ذیل آیه شریفه باید مورد بررسی قرار گیرد معنا و مفهوم کلمه قول در آیه است در مفهوم کلمه قول چهار احتمال وجود دارد.

۱. قول به معنای مصدری باشد یعنی گفتن.
۲. قول به معنای اسم مصدری «حاصل گفتن» باشد.
۳. قول مصدر به معنای اسم مفعول باشد.
۴. معنای قول را در احتمالات دوم و سوم به کتاب و مکتوب هم سرایت دهیم.

شرط صحت استدلال به آیه

اگر قول را به معنای مصدری بگیریم معنای آیه اجتناب از گفتن می‌شود و نمی‌توان به این آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال استدلال کرد اما اگر احتمال چهارم را پذیرفتیم می‌توان بر حرمت حفظ کتب ضلال به آیه استدلال کرد.

دیدگاه استاد: پذیرش معنای مصدری قول

در محل بحث دو سؤال مطرح است سؤال اول اینکه قول به معنای مصدری که احتمال اول است یا به معنای احتمال دوم و سوم که تفاوت چندانی ندارد؟ و سؤال دومی که مطرح است بنابر اینکه احتمال دوم و سوم مراد باشد آیا شامل کتاب و امور مکتوب هم می‌شود یا خیر؟ در جواب سؤال دوم و بر فرض پذیرش این احتمال باید گفت یا به شمول لفظی و یا شمول مناطی و الغا خصوصیت قول زور شامل کتاب و امور مکتوب هم می‌شود اما در جواب سؤال اول باید گفت که عبارت ظهور در معنای مصدری دارد و معنای آیه ترک عمل و گفتن است بنابراین استدلال به آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال صحیح نیست.

نکته پنجم در مفهوم و معنای کلمه زور

نکته و جهت پنجمی که در آیه مطرح است در معنا و مفهوم شناسی کلمه زور است کلمه زور در لغت در دو معنا و اصل بکار رفته است.



۱. به معنای اعلی الصدر و بالای سینه است و وقتی میگوییم شخصی به زیارت شخصی رفت یعنی با او روبه‌رو شد.

۲. و معنای دیگر آن هم به معنی میل و انحراف است و مقصود انحراف از راه حق و مسیر درست است. کلمه زور در آیات و سوره‌ای دیگر نیز مانند آیه ۷۲ سوره فرقان و آیه ۲ سوره مجادله آمده است و سؤالی که در مفهوم شناسی کلمه زور در آیه مطرح این است که مراد از زور مطلق امر باطل و میل از حق است و یا اینکه مراد هر امر باطلی نیست بلکه مراد امر باطل به نحو حرام است؟